

تصویر اول

از سوی دیگر در روز چهاردهم ذی الحجه جبرئیل نازل شد و لقب «امیرالمؤمنین» را به عنوان اختصاص به علی بن ابی طالب آورد. پیرو آن پیامبر صلی الله و علیه وآله به بزرگان اصحاب دستور داد تا نزد علی علیه السلام بروند و خطاب به آن حضرت «السلام عليك يا اميرالمؤمنين» بگویند.



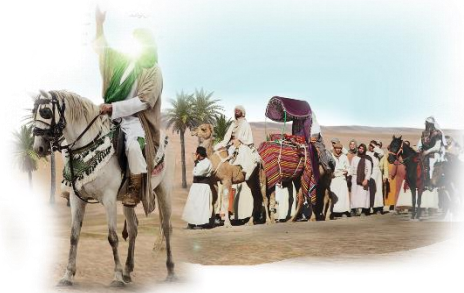
هنوز برنامه سلام به امیرالمؤمنین پایان نیافته بود که دستور تحویل میراث‌های انبیاء به علی علیه السلام از طرف خداوند صادر شد. یادگارهای انبیاء علیهم السلام صحف آدم و نوح و ابراهیم علیهم السلام و تورات و انجیل و عصای موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و سایر میراث‌های ارجمندی است که فقط باید در اختیار حجج الهی باشد. تا آن روز خاتم انبیاء صلی الله و علیه وآله حافظ این میراث‌های الهی بود و اینک به دستور الهی به امیرالمؤمنین علیه السلام منتقل شد.

فرمان حرکت به سوی غدیر خم روز چهاردهم ذی الحجه روز پرماجرایی بود چرا که اعلام شده بود در مکه یک روز بیشتر توقف نخواهند کرد. پیامبر صلی الله و علیه وآله به بلال دستور داد تا بین مردم اعلان کند: «فردا کسی جز معلولان نباید باقی بماند، و همه باید به سوی غدیر خم حرکت کنند». با این اعلام مردم متعجب از اینکه چرا پیامبر صلی الله و علیه وآله در این اولین و آخرین سفر خود به حرم الهی، مدتی در آنجا توقف نکرده‌اند که مردم سؤالات خود را بپرسند و از محضر آن حضرت استفاده کنند، خود را برای فردا آماده می‌کردند.

تصویر دوم

کاروان عظیم حجاج اکنون با پایان مراسم حج به استقبال مراسم غدیر می‌رفتند. روزی که پیامبر صلی الله وعلیه وآله از مکه حرکت کرد، سیل جمعیت بیش از صد و بیست هزار نفر تخمین زده می‌شدند. دوازده هزار نفر از اهل یمن که همراه امیرالمؤمنین علیه‌السلام برای حج آمده بودند و مسیرشان به سمت شمال نبود و باید از جنوب مکه به آنجا باز می‌گشتند، برای درک مراسم غدیر همراه پیامبر صلی الله وعلیه وآله حرکت کردند. همچنین پنج هزار نفر از اهل مکه بار سفر بستند و با قافله بزرگ پیامبر صلی الله وعلیه وآله راهی غدیر شدند. جالب‌تر از همه اینکه اهمیت مراسم باعث شده بود عده‌ای از مشرکین و کفار هم برای تماشای مراسم راهی غدیر شوند.

۲



حرکت از مکه به سوی غدیر

شب ۱۵ ذی الحجه ساعتی به اذان صبح مانده در تاریکی شب پیامبر صلی الله وعلیه وآله دستور حرکت داد. آن حضرت تا کنار بیت الله آمد و وارد مسجد الحرام شد و طواف وداع به‌جا آورد. آنگاه با خانه خدا وداع نمود و از مسجد الحرام بیرون آمد. و قبل از نماز صبح از مکه خارج شدند و با طلوع فجر روز پانزدهم ذی الحجه نماز صبح را خواندند و به راه ادامه دادند.

تصویر سوم



بود و عبور آب، آن را مسطح کرده بود و اکنون خشک بود و برای استراحت مردم مکان مناسبی را آماده کرده بود.

پیامبر صلی الله و علیه و آله همراه کاروان مسیر خود را از سمت راست جاده به سمت غدیر تغییر داد. همزمان با این اعلان، آن حضرت فوراً افرادی را مأمور کرد تا مواظب پراکنده شدن کاروان باشند. از یک سو فرمان داد تا منادی ندا کند: «همه مردم متوقف شوند، و آنان که پیشتر رفته‌اند باز گردند، و آنان که پشت سر هستند خود را برسانند» تا آهسته آهسته همه جمعیت در محل از پیش تعیین شده جمع گردند.

از سوی دیگر پیامبر صلی الله و علیه و آله دستور داد کسی زیر پنج درخت کهنسالی که در آنجا بود نرود، تا آن مکان برای برنامه سه روزه غدیر آماده سازی شود.

پس از این دستورات همه مرکب‌ها متوقف شدند و کاروان‌ها کنار برکه غدیر در گستره بیابان پیاده شدند، و هر یک برای خود جایی پیدا کردند و شتران خود را خواباندند. عده‌ای فرش و زیرانداز برای خود پهن کردند، و عده‌ای دیگر خیمه برپا نمودند، و کم کم همه جمعیت در گوشه و کنار منطقه مستقر شدند.

به میعادگاه غدیر رسیدند

ساعتی بیش تا ظهر نمانده بود که برکه زیبای غدیر با درختان کهنسالی از دور نمایان شد. برکه‌ای که معروف بود و همه مردم آن را می‌شناختند و مسافران بسیاری برای استراحت در سفرهای خود کنار آن آمده بودند. آب نمای دریاچه مانند بزرگی که برای مصرف آب آن کاروان صد و بیست هزار نفری کافی بود. پنج درخت کهنسال از نوع سَمَر (کُنار) که در شنزارها می‌روید و مانند درخت چنار بالا می‌رود و سایه می‌اندازد. آن پنج درخت در یک ردیف جلوی برکه کنار یکدیگر قرار داشتند و سایبانی گسترده در آن وادی ایجاد کرده بودند. زمین باز جلوی درختان که در واقع مسیر سیل

تصویر چهارم



پیامبر و علی علیهما السلام بر فراز منبر غدیر

مردم پراکنده در گوشه و کنار منطقه غدیر در انتظار فرمان بعدی پیامبرصلی الله وعلیه وآله برای آغاز مراسم بودند. مقارن ظهر انتظارها به سر رسید و منادی حضرت ندای عمومی داد و مردم را برای اجتماع در مقابل جایگاه فرا خواند.

مردم همه وضو گرفته رو به قبله صف‌های نماز را مرتب کردند. زنان نیز در قسمت خاصی قرار گرفتند که منبر را می‌دیدند. پیامبرصلی الله وعلیه وآله از خیمه خود بیرون آمد و به عنوان امام جماعت جلوی صف اول قرار گرفت. آنگاه مؤذن پیامبرصلی الله

از سوی دیگر، پیامبرصلی الله وعلیه وآله مقداد و سلمان و ابوذر و عمار را فرا خواند و به آنان دستور داد تا به محل پنج درخت کهنسال - که در یک ردیف جلوی برکه غدیر بودند - بروند و آنجا را برای اجرای مراسم آماده کنند.

آنان خارهای زیر درختان را کردند و سنگ‌های ناهموار را جمع کردند و زیر درختان را جارو کردند و آب پاشیدند. سپس شاخه‌های پایین آمده درختان را - که تا نزدیکی زمین آمده بود - قطع کردند. بعد از آن در فاصله دو درختِ وسط، روی شاخه‌ها پارچه‌ای انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد.

سپس در زیر سایبان، بنای منبری از سنگ را تدارک دیدند. ابتدا با جمع آوری سنگ‌های بزرگ و کوچک، آنها را روی هم چیدند و شبه منبری به بلندی قامت حضرت ساختند. سپس از رواندازهای شتران و سایر مرکب‌ها کمک گرفتند و بنای آن را تکمیل کردند. در مرحله بعد پارچه‌ای برای زیبایی از بالا تا پایین منبر انداختند. آنان منبر را طوری برپا کردند که نسبت به دو طرف جمعیت در وسط قرار بگیرد، و پیامبرصلی الله وعلیه وآله هنگام سخنرانی مُشرف بر مردم باشد تا همه آن حضرت را ببینند.

وعلیه وآله اذان گفت و سپس نماز جماعت یکصد و بیست هزار نفری باشکوه بی نظیری کنار منبر غدیر خوانده شد.

پس از نماز همه منتظر برنامه بعدی بودند. پیامبر صلی الله وعلیه وآله برخاست و به سمت منبر رفت و قدم بر پله‌های آن گذاشته تا آخرین نقطه بالا رفت و بر فراز آن ایستاد. سپس امیرالمؤمنین علیه‌السلام را فراخواند تا بالای منبر بیاید. مردم شاهد بودند که علی علیه‌السلام به دنبال پیامبر صلی الله وعلیه وآله از منبر بالا رفت و در سمت راست پیامبر صلی الله وعلیه وآله یک پله پایین‌تر ایستاد، در حالی که احتراماً کمی متمایل به سمت آن حضرت بود. در آن لحظه دست مبارک پیامبر صلی الله وعلیه وآله بر شانه آن حضرت قرار گرفت، منظره ابهت‌انگیزی را در برابر دیدگان آن جمعیت انبوه قرار داد.

اکنون غدیر برای اولین بار شاهد اجتماع عظیم بشری بود تا خاتم انبیاء سخنرانی تاریخی و آخرین و بلندترین خطابه رسمی خود را برای جهانیان آغاز کند. افتخار این مجلس حضور پنج وجود معصوم یعنی پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام بود، و حضرت محسن علیه‌السلام نیز در آن روزها انتظار تولد خویش را داشت.

بیش از صد و بیست هزار نفر منظره بدیعی را می‌نگریستند که دو نفر بر فراز منبری از سنگ ایستاده بودند؛ و در سکوتی ابهت‌انگیز چشم‌ها دوخته به لبانی بود که بزرگترین پیام الهی برای بشریت را با فصیح‌ترین لسان آماده بازگویی داشت.

پیامبر صلی الله وعلیه وآله در حالی که دست بر شانه علی علیه‌السلام گذاشته بود سخنرانی تاریخی خود را آغاز کرد که آمیخته با بیش از ۱۰۰ آیه قرآن بود و بیش از یک ساعت به طول انجامید.

سکوت مطلق بر جمعیت حاضر در غدیر حکمفرما بود و دل‌ها پله پله با کلام رسول مدارج کمال را می‌پیمود و با کوه استوار نبوت تا اوج ولایت پیش می‌رفت. این در حالی بود که طبق اشاره پیامبر صلی الله وعلیه وآله در فرازهای قبلی خطابه، همه چشم بر دست و بازوی پیامبر و علی علیه‌السلام دارند که هنگام بالا رفتنشان کی فرا می‌رسد.

اکنون غدیر به قله خود رسیده و صد و بیست هزار نفر چشم بر لبان گل وجود دوخته‌اند. پیامبر صلی الله وعلیه وآله در آن حساس‌ترین لحظات دستان ید الهی خود را به بازوان رشید علی علیه‌السلام نزدیک کرد و او نیز دستان خود را بالا نگاه داشت.

در یک لحظه او را تا آنجا بلند کرد که کف پای علی علیه السلام به زانوان پیامبر صلی الله وعلیه وآله رسید.

همان طور که علی علیه السلام را بر سر دست نگه داشته بود در بدیع ترین شکل اعلام جانشینی خود را به انجام رساند. سؤالی کوتاه و جمله‌ای پر از معنی!! پرسید: گفتید که چه کسی بر شما اولی به نفس است؟ مردم فوراً پاسخ دادند: خدا و رسولش. فرمود:

أَلَا فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فِهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ،
اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ.»

آگاه باشید، که هر کس من صاحب اختیار و اولی به نفس او بوده‌ام این علی صاحب اختیار و اولی به نفس اوست. خدایا دوست بدار هر کس علی را دوست بدارد، و دشمن بدار هر کس علی را دشمن بدارد، و یاری کن هر کس علی را یاری کند، و خوار کن هر کس علی را خوار کند.

حضرت با پایان این سخن علی علیه السلام را از فراز دست بر منبر فرود آورد؛ و با ظرافتی لایق شأن نبوت نگذاشت در خطابه‌اش وقفه

ایجاد شود و سخنان خود را ادامه داد و به تبیین ابعاد «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ...» پرداخت.

تصویر پنجم

«السلام علیک یا امیرالمؤمنین» می‌گفتند، و به آن حضرت این مقام با عظمت را تبریک می‌گفتند.



فرصت مناسبی را هم برای بانوان تعیین کردند که آنان نیز در خیمه بیعت حضور یافتند. برای این کار دستور دادند تشت بزرگی از آب آوردند و پرده‌ای در وسط آن از یک سو تا سوی دیگر زدند به طوری که آن را به دو قسمت تقسیم می‌کرد و آن سوی پرده از این سو دیده نمی‌شد. آنگاه امیرالمؤمنین علیه‌السلام در یک سوی پرده می‌نشست و دست مبارک را داخل آب می‌گذاشت. زنان نیز در سوی دیگر پرده با قرار دادن دست خود در آب بیعت می‌کردند و همزمان «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» می‌گفتند و به حضرتش تبریک و تهنیت می‌گفتند.

بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، ام هانی خواهر امیرالمؤمنین علیه‌السلام، فاطمه دختر حمزه و اسماء بنت عمیس از بانوانی بودند که در این بیعت حاضر شدند. پیامبر صلی الله و علیه و آله دستور بیعت را درباره همسران خود مؤکد داشتند به خصوص آنکه همه همسران حضرت - از جمله عایشه و حفصه - در این سفر حضور داشتند.

بیعت مردان و زنان در غدیر

توقف سه روزه در غدیر برای بیعت ۱۲۰۰۰۰ نفر بود، که باید یکی یکی شرکت می‌کردند. به دستور پیامبر صلی الله و علیه و آله کنار منبر زیر درختان دو خیمه جداگانه در مقابل یکدیگر برپا شد. پیامبر صلی الله و علیه و آله در یک خیمه و امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خیمه دیگر نشستند. آنگاه حاضرین در صفی مرتب، گروه گروه وارد دو خیمه می‌شدند. ابتدا وارد خیمه پیامبر صلی الله و علیه و آله شده به عنوان قبول و اقرار به آنچه در خطابه غدیر درباره ولایت و امامت بیان فرمود، با آن حضرت دست بیعت می‌دادند. سپس به خیمه امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌رفتند و به عنوان تسلیم و اطاعت در برابر مقام ولایت او سه کار انجام می‌دادند: بیعت می‌کردند، و

تصویر ششم

حارث گفت: اکنون که پسر عمویت را منصوب نمودی، آیا واقعاً همه این‌ها از طرف خدا بود؟ پیامبر صلی الله وعلیه وآله فرمود: از طرف خدا به من وحی می‌شود و جبرئیل سفیر و واسطه الهی است و من به مردم خبر می‌دهم، و جز آنچه خدا دستور دهد چیزی را اعلام نمی‌کنم.

حارث سر به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا، اگر محمد در آنچه می‌گوید صادق و راستگوست سنگی از آسمان بر ما ببار یا عذابی بر ما نازل کن.»

معجزه عظیم پیش چشمان مردم به وقوع پیوست. خاطرهای که از اصحاب فیل در ذهن‌ها مانده بود، اینک با تمام شدن سخن حارث و فاصله گرفتن او از مجلس پیامبر صلی الله وعلیه وآله تکرار شد.

دو عذاب الهی با هم بر حارث نازل شد در حالی که پیامبر صلی الله وعلیه وآله و اصحابش از فاصله‌ای او را می‌دیدند. خداوند پرنده‌ای از آسمان فرستاد که در منقار او ریگی به اندازه عدس بود و آن را بر سر حارث رها کرد. سنگریزه از سر او وارد شد و طول قامت او را در نوردید و او را نقش زمین ساخت، در حالی که پاهایش را بر



سنگ آسمانی بر دشمن غدیر

در پایان روز سوم که مراسم غدیر رو به اتمام بود، حارث فهری نزد پیامبر صلی الله وعلیه وآله آمد و گفت: «وقتی قرار شد تو رسول الله باشی و علی جانشین بعد از تو باشد و فاطمه دخترت سیده زنان عالم و حسن و حسین سید جوانان اهل بهشت باشند، پس برای سایر قریش چیزی باقی نگذاشته‌ای؟! پیامبر صلی الله وعلیه وآله فرمود: من این مقامات را تعیین نکرده‌ام بلکه خداوند معین فرموده است.

زمین می‌کوبید. در همین حال ابر سیاهی ظاهر شد و رعد و برقی زد و صاعقه‌ای پدید آورد که بر بدن حارث خورد و او را سوزانید.

در آن لحظات جبرئیل نازل شد و سند قرآنی این معجزه غدیر را با آیات ۱ تا ۳ سوره معارج آورد: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَقِيعٍ، لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ، مِنَ اللَّهِ ذِي الْمِعَارِجِ:» «درخواست کرد درخواست کننده‌ای عذاب واقع را که کافران قدرت دفع آن را ندارند، و این از طرف خداوند بود.»^۶